

سپردن بچه‌های کوچک‌تر به دانش‌آموزان بزرگ‌تر

سمیه لیاقت

دانش‌آموزان از یک سو و برنامه‌ریزی برای کلاس‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموزان پیش‌دبستان تا پایه ششم در یک اتاقک سیمانی کوچک و تاریک در کنار یک معلم رسمی باسابقه و یک سرباز معلم نشست‌اند.

چالش اصلی معلمان روستایی - عشایری برای تدریس چندپایه چه بود؟

اولین و مهم‌ترین مشکل معلمان، محدودیت وقت برای تدریس محتوای مربوط به پایه‌ها بود. به‌ویژه اینکه بعضی از معلمان موظف بودند دو شیفت کار کنند؛ یعنی کلاس چندپایه صبح را در یک مدرسه و کلاس چندپایه بعداز ظهر را در روستای دیگری اداره می‌کردند. معلمان به حجم بالای محتوا و کتاب‌های درسی پایه‌های تحت آموزش خود اشاره می‌کردند و

اردیبهشت امسال با یک گروهی از خیرین برای ارزیابی طرح آموزش معلمان ابتدایی راهی استان سیستان و بلوچستان شدم. در این سفر، قرار بود درباره وضعیت خواندن دانش‌آموزان منطقه، مطالعه‌های مقدماتی انجام دهم. منطقه مورد مطالعه در بلوچستان با ۷۰ درصد جمعیت روستایی و عشایری و ۳۰ درصد جمعیت شهری دانش‌آموزی بود. بررسی ما و اذعان مسئولان حاکی از درصد قابل توجه تکرار پایه و سطح پایین خواندن در دانش‌آموزان بود که گاه مشکلات یادگیری آنان را تا دوره متوسطه تحت تأثیر قرار می‌داد.

معلمان روستایی و عشایری هنگام گفت‌وگو درباره مسائل و چالش‌های تدریس، عمده مشکلات آموزش در مناطق خود را که ۷۰ درصد از جمعیت دانش‌آموزان را در برمی‌گرفت، به «چندپایه بودن» مربوط می‌دانستند، مسئله دوزبانی





از ساعات محدود آموزشی که در اختیار داشتند، گله داشتند. در واقع، این همان نقطه‌ای بود که اشکال برنامه آموزشی متمرکز را بازنمایی می‌کرد.

مشکل دیگر کلاس‌های چندپایه مربوط به دانش‌آموزان پایه‌های اول و دوم ابتدایی است. به دلایل متعدد، از جمله نداشتن امکاناتی مانند برق، تلویزیون و والدین با سواد، در سال‌های اولیه ورود به مدرسه از آشنایی حداقلی با زبان فارسی کاملاً محروم‌اند و نه تنها از تدریس معلم برای پایه‌های بالاتر هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند بلکه دوزبانه بودن و درک نکردن زبان رسمی معلم در کلاس، امکان استفاده حداقلی از آموزش‌های ضمنی به واسطه حضور در کلاس را نیز از بین می‌برد. چنین گسستی میان یادگیرنده و فضا و زبان حاکم بر فضای آموزشی، تأثیر زیادی بر توجه و تمرکز آن‌ها در کلاس نیز دارد.

راهکاری که برخی از معلمان منطقه از آن برای حل مشکل چندپایه بودن استفاده کرده بودند، سپردن بچه‌های کوچک‌تر به دانش‌آموزان بزرگ‌تر در کلاس برای بررسی تکالیف و مثلاً «املا گفتن» برای آنان بود؛ در حالی که در همین سطح حداقلی از مشارکت گروه برای رفع مشکل، روش‌های دیگر آموزش گروهی و یادگیری از هم‌کلاسان استفاده نمی‌شد.

در جهان چه می‌گذرد؟

متخصصان، کلاس‌های چندپایه را از کلاس‌هایی با دانش‌آموزانی که پایه یکسان و سن متفاوت دارند، متمایز می‌دانند (Veenman, 1995) و در این تقسیم‌بندی برای هر یک از این دو نوع، مزایایی قائل‌اند اما در مجموع، رویکردهای کلاس‌های چندسنی بیشتر در پژوهش‌ها مورد توجه بوده است و مطالعات نشان داده که اداره کردن این کلاس‌ها از کلاس‌های چندپایه ساده‌تر است. در عین حال، کلاس‌های چندپایه با چالش‌های بیشتری مواجه‌اند. همچنین، رویکردهای چندسنی معرفی شده در ادبیات پژوهش، متنوع‌تر از رویکردهای چندپایه است و در آموزش‌های پیشرو، مانند رژیو و مونته‌سوری، هم این روش‌ها مورد تأکیدند.

کلاس‌های چندپایه در بلوچستان آمیخته‌ای از هر نوع چندپایه و چندسنی بود؛ به‌ویژه که بسیاری از والدین و حتی معلمان باور داشتند که نگه داشتن دانش‌آموزان در سال‌های اولیه و تکرار پایه، به یادگیری بهتر آنان کمک می‌کند.

نکته قابل توجه در بررسی مقالات علمی، معطوف به مزایای آموزشی این کلاس‌ها از ابعاد مختلف است. برای مثال، در پژوهش انجام شده در برخی مدارس کاتولیک آمریکا، دانش‌آموزان دو پایه متفاوت تحصیلی در یک کلاس کنار هم قرار داده شدند و کلاسی دو پایه تشکیل شد تا برونداد آموزش به افزایش فرصت‌های رشد اجتماعی منجر شود. این مطالعه و ادغام دو پایه، در نتیجه فردی دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان تأثیری نداشت اما توانست در رفتارهای بین فردی

مطالعات مربوط به کلاس‌های چندپایه نشان‌دهنده، وضعیت بهتر رفتارهای دوستانه و کاهش پرخاشگری و رفتارهای منفی نسبت به کلاس‌های تک پایه است. همچنین پیشرفت خواندن و ریاضی در کلاس‌هایی که از رویکردهای چندپایه استفاده می‌کنند، بیشتر است

تفاوت ایجاد کند. برای نمونه، دفعاتی که دانش‌آموزان یکدیگر را مهمان می‌کردند (دعوت به خوردنی)، افزایش یافته بود. همچنین، مزایای اجتماعی هیجانی دیگری میان دانش‌آموزان رخ داده بود؛ مانند افزایش تقسیم مسئولیت و رهبری در مدرسه و خانه، موارد انضباطی کمتر و احترام بیشتر به هم‌کلاسی‌ها.

مطالعات مربوط به کلاس‌های چند پایه نشان‌دهنده بهبود رفتار دوستانه و کاهش پرخاشگری و رفتارهای منفی نسبت به کلاس‌های تک پایه است. همچنین دیده شده که پیشرفت خواندن و ریاضی در کلاس‌هایی که از رویکردهای چندپایه استفاده می‌کنند، بیشتر است.

با وجود این، معلمان منطقه موقعیت مزبور را فقط نوعی محدودیت و مانع برای آموزش می‌دانستند و در هیچ یک از مصاحبه‌های فردی و گروهی، نظر مثبتی نسبت به تدریس در کلاس‌های چندپایه ابراز نکردند.

اما دست یافتن به مزایای کلاس‌های چندپایه چه الزاماتی دارد؟

نکته مهمی که در پژوهش‌های انجام‌شده مورد تأکید قرار گرفته، تأکید بر لزوم آموزش معلمان کلاس‌های چندپایه است؛ یعنی، معلم آموزش‌ندیده می‌تواند مانع اصلی استفاده از دست‌یابی به اهداف تربیتی در کلاس‌های چندپایه شود؛

معلمانی با منابع آموزشی محدود و شغل پاره‌وقت که تعهد به کار در آن‌ها بسیار کم است (پروئل و همکاران، ۲۰۱۳). ویژگی مربوط به تعهد شغلی و ثبات، در میان سرباز معلمان و معلمان قراردادی بلوچستان به صورت متمایزی به چشم می‌خورد. علاوه بر اینکه آموزش و پرورش هیچ تعهدی در زمینه آینده و امنیت شغلی این گروه ندارد، پرداخت حقوق آنان را نیز به شرکت‌های واسطه واگذار کرده است؛ به طوری که این گروه تجارب تلخی از کاهش بی‌دلیل و ناگهانی حقوق یا عدم پرداخت آن حتی تا پایان سال تحصیلی دارند. این ناپایداری در پرداخت دستمزد، علاوه بر ایجاد مشکلات خانوادگی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر انگیزه و تعهد کاری این گروه از معلمان جوان گذاشته است.

روش‌های چندپایه به شدت تحت تأثیر موقعیت و نحوه کاربردشان قرار دارند بنابراین، امکان اثربخشی کلاس چندپایه به تسلط معلم بستگی دارد

اهمیت تسلط معلم

کین (۲۰۰۷) نشان داده است که دانش و مهارت‌های مورد نیاز معلمان چندپایه تفاوتی با معلمان تک‌پایه ندارد و بنابراین، آن‌ها نیازمند آموزش‌های ویژه و متفاوتی نیستند ولی باید از مؤثر بودن برنامه آموزش معلمان و برطرف شدن نیازهای آنان برای ایجاد درکی گسترده نسبت به آن، اطمینان یافت. معلمان چندپایه اغلب آموزش ندیده و پاره‌وقت‌اند. از طرفی، بررسی‌ها نشان داده است که روش‌های چندپایه به شدت تحت تأثیر موقعیت و نحوه کاربردشان قرار دارند و ارزش آن‌ها کمتر مورد تردید است. بنابراین، امکان

اثربخشی کلاس چندپایه به تسلط معلم بستگی دارد (پروئل و همکاران، ۲۰۱۳). نمونه برنامه آموزش معلمان چندپایه را می‌توان در جدول روبه‌رو مشاهده کرد.

از طرف دیگر، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فشار کاری معلم در کلاس‌های چندپایه خیلی بیشتر از کلاس‌های تک‌پایه است. موفقیت رویکردهای چندپایه مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و مفصل و آمادگی‌های لازم است و به صرف وقت نیاز دارد. بنابراین، معلمان در صورتی می‌توانند موفق شوند که به نکات مذکور توجه داشته باشند.

مشابه این تجارب در میان معلمان عشایری و روستایی بلوچ، قابل توجه است؛ به ویژه که محرومیت‌های اقتصادی و فرهنگی منطقه مانع دیگری برای تأثیرگذاری تلاش‌های معلم به حساب می‌آید.

راه‌های پیش رو برای اصلاح مشکلات کلاس‌های چندپایه چیست؟

در مجموع، به نظر می‌رسد نکات زیر برای موفقیت در مسیر کلاس‌های چندپایه در آینده قابل توجه باشد:

• تمرکززدایی از برنامه و محتوای آموزشی در این مناطق، برای آنکه معلم امکان برنامه‌ریزی و استفاده از روش‌های مناسب کلاس‌های چندپایه را براساس ویژگی‌های فرهنگی و محیطی و در نظر گرفتن مسئله دوزبانگی کودکان منطقه داشته باشد؛
• استفاده از شیوه‌های تضمین کیفیت آموزش معلمان چندپایه، به ویژه تأکید بر تغییر نگرش نسبت به مزایای کلاس‌های چندپایه در برابر معایب و چالش‌های مربوط به آن‌ها؛
• تغییر راهبردهای تنظیم قرارداد و پرداخت دستمزد برای این معلمان با هدف ایجاد امنیت و ثبات شغلی.



گروه‌بندی محتوای آموزشی معلمان برای اهداف مورد نظر هر گروه‌بندی	تدریس چندپایه‌ای
اساس آموزش چندپایه	به آموزگاران کمک کند که ماهیت آموزش چندپایه را درک کنند و بپذیرند. ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های آموزش چندپایه را درک کنند.
توسعه و برنامه‌ریزی برای اجرای طرح درس (انتخاب محتوای مناسب برای تدریس هر پایه، و برنامه‌ریزی برای هر درس با توجه به نیازها و سطح هر پایه دانش‌آموز)	براساس طرح درس محتوای مناسب طراحی کنند. فعالیت‌هایشان را بر مبنای بلندمدت و کوتاه‌مدت تنظیم و سازماندهی کنند. برای دانش‌آموزان فعالیت‌های آموزشی مهیا و برنامه‌ریزی کنند.
سازمان و طراحی کلاس درس (یعنی اینکه فضای مناسبی برای آموزش - که توسط معلم و دانش‌آموزان قابل دستیابی باشد - مهیا کنند).	کلاس‌های درس را طوری بسازند که محیط و شرایط یک آموزش تأثیرگذار و راه‌گشا مهیا باشد. مواد درسی و منابع به آسانی در دسترس باشند.
انتخاب مواد درسی مناسب و دسترسی آسان به این مواد	محتوا و منابع مورد نیاز برای آموزش دانش‌آموزان مهیا باشد. از منابع در دسترس به درستی استفاده شود و دانش‌آموزان به درستی تعلیم ببینند. در صورت امکان، مواد آموزشی خودکار ایجاد کنند (یعنی دانش‌آموز با استفاده از آن‌ها خودش بتواند آموزش ببیند). از چندین روش و رویکرد آموزشی در تدریس چندپایه آگاه باشند. برای استفاده از رویکرد و راهبردهای آموزش چندپایه، انتخاب‌های شایسته‌ای داشته باشند. دانش‌آموزان را طوری تربیت کنند که در فعالیت‌هایشان مستقل باشند. دانش‌آموزان را به آموزش به شیوه خودگردان تشویق کنند.
انتخاب راهبردهای آموزشی مختلف و استفاده از آن‌ها	دانش‌آموزان پایه‌های مختلف را با توجه به نیازهای آموزشی در کلاس گروه‌بندی کنند. هر گروه را با توجه به نیازهایشان سرپرستی کنند. به نیازهای اجتماعی دانش‌آموز همچون نیازهای درسی‌اش توجه داشته باشند. هر جا لازم بود، برای دانش‌آموز پشتیبانی فردی مهیا کنند.
مدیریت مؤثر زمان	با آگاهی از نیازهای دانش‌آموزان، از زمان به درستی برای تدریس استفاده کنند؛ به طوری که دانش‌آموز در تمام زمان کلاس درس مشغول باشد. برنامه کلاسی مؤثر و کارساز تهیه کنند. فعالیت‌هایشان را طوری تنظیم کنند که دانش‌آموزان کلیه پایه‌ها در کلاس فعال باشند.
مدیریت کلاس و پایه	فضای منظمی را برای کلاس درس مهیا و مدیریت کنند. در کلاس، محیط مثبتی ایجاد کنند. حین انجام کار کلاسی، از روش‌های تربیتی مناسب بهره بگیرند. یک برنامه منظم و روشن درسی و کلاسی که برای دانش‌آموزان قابل فهم و درک باشد، فراهم سازند. هر دانش‌آموز را تشویق کنند که مسئول آموزش خودش باشد.
ارزیابی و امتیازدهی	با آموختن مهارت‌هایی، خود را برای بررسی، ارزیابی و امتیازدهی آموزش و یادگیری دانش‌آموزان مهیا کنند. سیستم و نظام مناسبی برای ارزیابی‌های بعدی فراهم سازند. بازخوردهای کیفی و قابل فهم به دانش‌آموزان ارائه کنند. از این نتایج برای آموزش دانش‌آموزان استفاده کنند. اطلاعات حاصل از ارزیابی هر دانش‌آموز را ثبت و ضبط کنند.
ارتباط با جامعه و والدین دانش‌آموزان	در طلب حمایت اجتماعی باشند و خود آن را ایجاد کنند. با اجتماع و والدین دانش‌آموزان ارتباط مناسبی برقرار کنند. اهمیت اخلاق و ارزش‌های جامعه را در مدرسه شرح دهند.

